

بدون تردید، «جمهوری اسلامی» به عنوان الگوی یک نظام سیاسی، مهم‌ترین ثمره پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.

جمهوری اسلامی آن گاه معنا می‌یابد که خواست، علایق، عواطف، منافع و مصالح یک ملت، با تمامیت و جامعیت اسلام، به هم‌گرایی و وحدت برسد.

به عبارت دیگر، آن گاه که مردمان بدانند علایق، خواسته‌ها، منافع و مصالح خود را تنها بایست از راه ایمان و عمل به اسلام پی‌گیری کنند، نظام سیاسی جمهوری اسلامی پدید می‌آید.

در نتیجه، هر نوع نظام زندگی سیاسی و اجتماعی مبتنی بر جمهوری ناب و یا تحقق هر نوع نظریه حکومت اسلامی، بدون اتکا و ارتباط منطقی با خواسته‌ها، علایق، عواطف، منافع و مصالح واقعی یک ملت، در تضاد و تقابل با جمهوری اسلامی است.

از همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب، سخت‌افزار و ساختمان نظام جمهوری اسلامی، ارکان و عناصر اصلی خود را ساخت و آن را در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور ساخت؛ اما از همان ابتدا نیز روشن بود که تبیین ماهیت و هستی نظام جمهوری اسلامی و تعریف ماهیت و روابط بین عناصر مختلف این نظام سیاسی، دانش‌ها، معارف، ارزش‌ها، باورها، قوانین، مقررات و حتی آداب و رسوم ویژه خود را می‌طلبد که می‌بایست پس از تشکیل جمهوری اسلامی ضرورتاً پی‌گیری می‌شد.

با همه مشکلاتی که دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی در مسیر رو به رشد این نظام نوپیدا - که سابقه نظری و عملی چندانی نداشت - ایجاد کردند، متفکران و رهبران واقعی این اندیشه سیاسی تلاش کوشیدند نرم‌افزارها و دانش‌های متناسب با این نوع نظام سیاسی را تولید کنند. این ضرورت با توجه به دو گرایش انحرافی تجرگرایی و واپس‌گرایی و التقاط و شیفتگی به غرب و شرق، هر روز بیش‌تر از پیش رخ می‌نمود.

طبیعی بود که پاسخ روشن و منطقی اسلامی به این ضرورت تاریخی، تنها از عهده کسانی بر می‌آمد که اسلام را با تمامیت آن، همراه با نیازها و اقتضات زندگی فردی و اجتماعی کنونی، یک جا می‌شناسند، نه آنان که در چنبره واقعیت‌های زندگی به اسارت درآمده‌اند، توان تولید دانش متناسب با شئون و نیازهای زندگی مبتنی بر جمهوری اسلامی را نداشته و ندارند.

«پویا»، رسالت راستین و اساسی خود را در این می‌داند که محلی باشد برای عرضه آثاری که درصدد تبیین دقیق ماهیت نظام جمهوری اسلامی و عناصر و ارکان اصلی آن - همراه با نوع تعامل و ارتباط منطقی و سازگار بین آن‌ها - برآیند.

نباید «جمهوری اسلامی» را چونان دیگر نظام‌های سیاسی، الگویی برای چگونگی حکومت‌کردن حکومت‌گران بشمرد. جمهوری اسلامی، الگویی خاص برای زندگی اجتماعی است؛ از این رو باید در سرتاسر زندگی اجتماعی جاری شود، و اگر مردم بر اساس این تفکر، زندگی خود را در عرصه‌های مختلف اخلاقی، اقتصادی، اداری و... اداره نکنند، نمی‌توانند نوع حکمرانی مبتنی بر آن را بپذیرند؛ از این رو هم‌چون گذشته، مهم‌ترین کار برای تقویت، پایایی و تحکیم نظام جمهوری اسلامی، غنی‌سازی فکری و نظری آن است و البته در این نگاه جامع، مدیریت اجرایی تحقق این الگوی زندگی اجتماعی، بخشی از آن است.

بر این باوریم که دل‌سوزترین، فداکارترین و خیراندیش‌ترین افراد نسبت به نظام جمهوری اسلامی، کسانی هستند که توان فکری خود را در زمینه‌های مختلف علوم فنی و انسانی، در خدمت تحقق واقعی، بالندگی و رشد و تعالی این نظام قرار می‌دهند.

پویا، بر خود فرض می‌داند تا از همه متفکران دینی و اجتماعی که این دغدغه و نگرانی را جدی می‌دانند، تقاضا کند، در راهی که برگزیده، یاری‌اش کنند.

با چنین پیش‌فرضی در این شماره نشریه، درباره دو عنصر اصلی نظام جمهوری اسلامی یکی شورای نگهبان و دیگری بانک‌داری اسلامی دوگفت و گوی جدی را در نظر گرفته‌ایم. در این گفت و گوها، کوشیده‌ایم تا آن جا که می‌توانیم، با تبیین ماهیت، ملازمات، آثار و سابقه تاریخی این دو نهاد، در مسیر آن چه بدان معتقدیم گام برداریم. در این راه، از پیشنهادها سازنده و انتقادهای راه‌گشای شما دوستان فاضل، استقبال می‌کنیم.

در آخرین لحظه‌های انتشار مجله، خبر تلخ و جان‌سوز زلزله بم، انبوهی از اندوه را بر دل‌های ما آوار ساخت. دیدن صحنه‌های غم‌انگیز مادران به عزا نشسته، پدران غصه‌دار و یتیمان بی‌پناهی که در میان خروارها خشت و خاک، فراق ابدی همه عزیزانش را واگویی می‌کردند، قلب هر انسانی را مالمال از آرام می‌کرد. ما نیز همراه همه دل‌های درد آشنا، خود را داغ‌دار خزان حزن‌انگیز بم می‌دانیم و از درگاه پروردگار، بلندای روح آن سفرکردگان را آرزو می‌کنیم.

